

رابطه اخلاق و فقه در آیات طلاق

مسلم محمدی

دانشیار علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

حمیده شورگشتی*

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ارتباط میان دو حوزه اخلاق و فقه در آیات طلاق پرداخته است که این مهم با بررسی آیات و منابع تفسیری و کتاب‌های حقوق خانواده صورت پذیرفت. در بحث انواع ارتباط فقه و اخلاق، این تحقیق به تأثیر قابل توجه اخلاق در مسائل فقهی و به صورت خاص در مسائل نظام خانواده و معضل اجتماعی طلاق دست یافته است. با این ساختار که با بررسی آیات مربوطه، اصول اخلاقی مشترک همسران و اصول اخلاقی مختص مردان از آیات مورد بحث استنباط شد، این اصول بیانگر این نکته کلیدی است که چون در اسلام حق طلاق به مردان داده شده، وظایف اخلاقی آنان در حفظ کانون خانواده نسبت به زنان سنگین تر است ولی با این حال زنان هم نسبت به مسئولیت حفظ و جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده وظایف سنگین خود را دارند. در تمام اصول مورد بحث به عنوان مهم‌ترین یافته تحقیق، ارتباط اخلاق و فقه و تأثیری که اخلاق در گستره فقه دارد کاملاً مشهود و محسوس است، که در حقیقت این مهم‌ترین راه در ثبات و استحکام اخلاقی فردی و خانوادگی حتی در گیر و دار طلاق می‌باشد.

واژگان کلیدی: فقه، اخلاق، آیات الاحکام، طلاق.

* نویسنده مسئول (E-mail: shoorgeshte.quran@gmail.com)

مقدمه

فهم روشمند علوم دینی و راز تفاوت‌های آنها با علوم متقارن و مشابه به منظور رویکردی جامع و مانع به آنها و نوع استنتاج مسائل آن از منابع اولیه دین از ضرورت‌های پیشینی این علوم به حساب می‌آید. از بطن منابع اولیه و وحیانی اسلام، علوم مختلفی مربوط به نیازهای اعتقادی، روحی و اجتماعی انسان‌ها پدید آمد که عوامل مختلفی در رویش و گسترش آنها مؤثر بوده است (محمدی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۳) که از جمله آنها می‌توان به دو علم اخلاق و فقه اشاره کرد که یکی با نگاه سلامت روحی و روانی افراد جامعه اسلامی و دیگری با نگاه جاری سازی قوانین شریعت بوده است که در حقیقت هدف مشترک هر دو در نهایت، ارائه انسانی در تراز یک مسلمان واقعی است. (همان، «پژوهش‌های فقهی»، ۱۳۹۵: ۳) بنابراین می‌توان گفت این دو حوزه مرتبط با یکدیگر می‌توانند به عنوان پشتیبان و حامی در جهت تقویت هم عمل نمایند.

طرح مسأله

مسأله‌ای را که این مقاله در صدد اثبات آن است ارتباط تأثیر و تأثری بین دو مقوله اخلاق و فقه است. به عبارت دیگر با بررسی این موضوع در خصوص آیات طلاق این مسأله تصدیق می‌گردد که اخلاق مؤثر است و فقه متأثر. به طور کلی در قرآن همین نگاه وجود دارد. نگاه حقوقی که نگاه ظاهری کار است و نگاه اخلاقی که بن مایه اصلی کار است و به همین دلیل خداوند حتی در آیات الاحکام قیدهای اخلاقی را می‌آورد تا جایی که ختم آیات با یک صفت اخلاقی حکیم متعال پایان می‌پذیرد.

علاوه بر این اصل بودن اخلاق را به وضوح می‌توان در سیره نبوی نیز دید. پانزده سال اول زندگی ایشان قبل بعثت آکنده مسائل اخلاقی است. در سیزده سال مکه مسائل اعتقادی و در ده سال مدینه بحث احکام مطرح می‌شود. سیره رسول خدا (ص) که به معرفی قرآن اسوه حسنه برای مردمان هستند نشانگر اصل و محور بودن مسائل اخلاقی

است. چرا که تا در جامعه ای روح اخلاق حاکم نباشد، تقویت سایر بطون اعتقادی و فقهی فرجام خوشایندی را در بر نخواهد داشت.

پرسش پژوهش

بر این اساس سوال بنیادین پژوهش پیش رو این است که آیا اخلاق در مجموعه رویکردهای قرآن در بحث طلاق جاری و ساری می باشد یا خیر.

روش پژوهش

رویکرد این نگارش بر این است که بر خلاف نگاه رایج به مسائل فقهی که به دلیل سیطره تبیین و ترویج کمتر به ابعاد اخلاقی آن پرداختند جنبه های اخلاقی در آیات فقهی قرآن و به صورت خاص در آیات طلاق پر فروغ می باشند که در ادامه به تفصیل خواهد آمد که این مسأله می تواند به عنوان یک کلان طرح در رابطه با ابعاد مجموعه رویکردهای فقهی قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و در مباحثی مانند ازدواج، شهادت، حدود و ... جنبه های اخلاقی آنها مورد توجه قرار گیرد که خود علاوه بر اثبات مشحون بودن به جنبه های اخلاقی، می تواند به عنوان نقدی بر رویکرد اخلاق عرفی و اخلاق سکولار نیز تلقی گردد که کم و بیش در جامعه ما مورد بحث و گفتگو است.

سامانه این مقاله بر حسب تقسیم عقلی و قرآنی به دو عنوان کلی اصول اخلاقی مشترک همسران و اصول اخلاقی مختص مردان مبتنی گشته است.

هدف پژوهش

اشاره به این نکته ضروری است که چون هدف تمرکز بر آیات الاحکام بود از پرداختن به روایات مربوطه به دلیل دوری جستن از تطویل کلام، صرف نظر گردید از همین روی اصول اخلاقی مختص بانوان به دلیل عدم طرح آن در قرآن، در مقاله مورد بحث واقع نشده است. که در جای خود قابلیت تحقیق و تحلیل دارد.

۱. اصول اخلاقی مشترک همسران

در آیات الاحکام طلاق اصول اخلاقی مطرح شده که برخی بین همسران مشترکند و قرآن از زوجین عمل به این راهکارهای اخلاقی را در جهت از بین بردن هر چه بیشتر زمینه‌های طلاق خواستار است. دسته دوم اصول اخلاقی آیات طلاق اصولی است که مختص مردان است و خداوند از مردان خواسته تا به این اصول جامه عمل بپوشانند.

۱-۱. اصول اخلاقی فردی

اولین قسم از اصول اخلاقی مشترک همسران، اصول اخلاقی فردی است، به این معنا که هر کدام از همسران باید متخلق به آن‌ها باشند و بیشتر جنبه نظری دارند گرچه نتیجه آنها در تداوم زندگی مشترک ظهور می‌یابد. با بررسی هر یک از این اصول، محوریت اخلاق و تقدم آن بر فقه خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. این اصول عبارتند از:

۱-۱-۱. تاب آوری

یکی از اصول اخلاق فردی در آیات الاحکام طلاق که منجر به حفظ زندگی مشترک و جلوگیری از جدایی می‌شود تنظیم دینی هیجان در اختلافات زناشویی است. بیشترین مشکلات بین همسران به دلیل واکنش نشان دادن ایشان به هیجانات آنی است. اگر ایشان بر اساس ارزش‌های درونی خود رفتار کنند زندگی خانوادگی بهتری را تجربه خواهند کرد (استفن آر، ۱۳۸۷: ۴۱). از همین رو خداوند حکیم با توجه به اهمیت والای حفظ این نهاد اجتماعی کوچک با قرار دادن احکامی چون عده، بستر به کارگیری از شکیبایی و صبر را برای اتخاذ تصمیم عقلانی و دور از احساسات در راستای ادامه زندگی خانوادگی را فراهم می‌کند. در آیه ۲۲۸ سوره بقره آمده (وَالْمَطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...) «زنان مطلقه باید به مدت سه بار پاک شدن را انتظار بکشند...». نگاه داشتن «عده» و صبر کردن زنان پس از طلاق فواید زیادی دارد که از جمله آنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که این صبر کردن، زمینه‌ی روحی اصلاح روابط زن و مرد و بازگشت آنان به

زندگی مشترک را فراهم می‌کند، به ویژه آن که زن طلاق داده شده باید در مدت عده در خانه‌ی شوهر بماند. با صبر امکان فروکش کردن ناراحتی و کدورت‌های پیش آمده فراهم می‌شود و همسران به پیامدهای منفی طلاق می‌اندیشند و از تصمیم طلاق منصرف می‌گردند (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۰۷؛ همان، ۱۳۸۱: ج ۲، ۵۸۱؛ مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۷، ۴۰۴). پس می‌توان از عده تعبیر به، تقویت توان روانی همسران در برخورد با یکدیگر کرد که خود می‌تواند تداوم زندگی مشترک را به ارمغان بیاورد.

به طور کلی در این راستا می‌توان گفت تمسک به صبر در تمام مراحل زندگی مشترک نه تنها نقش مهمی را در سعادت خانواده بازی می‌کند بلکه برای رها کردن شخص از مشکلات روانی ناشی از بی‌تابی نیز حائز اهمیت است. زیرا بی‌تابی و عدم مهارت، فرد را دچار تنش می‌کند و نیاز فرد نه تنها برآورده نمی‌شود بلکه فشار روانی و دشوار تلقی کردن موقعیت افزایش می‌یابد در حالی که فرد می‌تواند با صبر به موفقیت برسد هر چند در زمان طولانی باشد (ر.ک؛ سالاری فر، ۱۳۸۴: ۱۲۱). پس بالابردن توان روانی از ابعاد مختلف دارای اهمیت است زیرا با بهره‌گیری از آن می‌توان به خود در جهت کاهش فشارهای روانی مدد گرفت که در پناه آن کمک به همسر در برخورد با بحران‌های زندگی نیز حاصل می‌شود. در علم روان‌شناسی می‌توان از صبر تعبیر به دکمه توقف ذهنی کرد که زن و مرد به آن نیاز دارند و این مسأله مستلزم تقویت چهار استعداد انسانی است که عبارتند از خودآگاهی (مشاهده افکار خود و ایجاد تغییرات در خود)، وجدان (توانایی ارزیابی آنچه در زندگی می‌بینیم)، قوه تصور (توانایی مجسم کردن چیزهایی که با تجربیات گذشته متفاوت است)، قدرت اتخاذ عمل (حرکت بر خلاف تمایلات درونی برای تحت تأثیر اراده خود قرار دادن زندگی) که این چهار استعداد در فاصله میان وقوع رویداد و پاسخ به آن قرار دارند (ر.ک؛ استفن آر، ۱۳۸۷: ص ۴۵-۴۲) و منجر به اتخاذ تصمیم و واکنش صحیح می‌شوند که به دنبال آن رضایت زناشویی و تداوم زندگی مشترک حاصل می‌گردد.

۱-۱-۲. دیدن قدرشناسانه نعمت‌ها

دومین اصل اخلاقی فردی مشترک همسران در آیات الاحکام طلاق دیدن قدر شناسانه نعمت‌هاست که در آیه ۲۳۱ بقره به این مطلب اشاره شده (وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...) «نعمت خدا را بر خود به یاد آورید...». مفسران در تفسیر واژه نعمت اختلاف دارند و دو احتمال برای آن ذکر کرده‌اند که بنا بر یک احتمال منظور از نعمت، نعمت دین و حقیقت دین است و بنا بر احتمال دوم می‌توان این واژه را شامل تمام نعمت‌های الهی (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۲۳) دانست که در این صورت این فراز آیه یکی از اصول اخلاقی آیات الاحکام طلاق خواهد شد. پس خداوند در مواقع رسیدن زندگی زناشویی به بن‌بست‌ها، از ایشان می‌خواهد نعمت‌هایی که به آنها ارزانی داشته را از یاد نبرند.

تعریفی که از مقوله شکر در کتاب‌های لغت و تفسیر آمده در این زمینه راه‌گشاست. راغب اصفهانی در تعریف شکر آن را به سه قسم تقسیم می‌کند و می‌نویسد «شکر قلبی که تصویر نعمت در ذهن و دل آدمی است یادآوری (نعمت و نعمت دهنده)؛ شکر زبانی، که ستایش و ثنای مُنعم است؛ و شکر اعضا و جوارح که عکس‌العمل مناسب و بایسته در برابر نعمت است، در حدّ و مرتبه‌ای که شایسته آن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۱) پس استفاده صحیح از داده‌های الهی در جهت رضای او (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۳: ۸۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲: ۲۲) یکی از گونه‌های شکر به حساب می‌آید. برای رسیدن به این مسأله باید از قدرت فکر استفاده کرد تا زندگی سرشار از نشاط شود. اگر همسران مثبت‌اندیش باشند، پاداش در خور آن را به دست می‌آورند و اگر منفی‌نگر باشند توشه ناخوشایندی در دست خواهند داشت (ر.ک؛ کیهان‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۸۲) در ارتباط این موضوع با حفظ زندگی مشترک و جلوگیری از جدایی چنین می‌توان گفت که در مشاجرات و تلخی‌های بین زوجین ایشان نباید از نعمت‌هایی که خداوند متعال به آنها ارزانی داشته غافل شوند و آنها را فدای منافع خویش نمایند. هدایایی از قبیل فرزند،

محبت و آرامش و سایر بخشش‌های رازق حکیم که باید از آنها به نحو احسن بهره ببرند و حق هر یک را بدین گونه ادا کنند، در این صورت است که زن و مرد از هر گونه تصمیمی که منجر به خدشه دار کردن عطا‌های خداوندی شود منصرف می‌گردند.

شاید بتوان از آیه چنین برداشت کرد که همواره همسران باید متوجه این نکته باشند که ناخوشایندی پیش آمده در زندگی، همه جنبه‌های حال را در بر نمی‌گیرد و زن و مرد چیزهای بسیار دیگر هم دارند که باید به آنها توجه نمایند و همه چیز را تیره و تار نبینند. این مهارت دایره ناخوشایندی را کاهش داده، بر سطح رضایت از زندگی می‌افزاید (پسندیده، ۱۳۸۴: ۳۰۸) بنابراین همواره باید نگاهی جامع نسبت به جنبه‌های گوناگون زندگی داشت و از تک بعدی نگریستن و پرننگ کردن زوایای منفی اجتناب ورزید.

۱-۱-۳. خود نگهداری دینی

سومین راه کارهای اخلاق فردی در آیات الاحکام طلاق خود نگهداری دینی است که در نصوص دینی از آن تعبیر به تقوا شده است. گرایش و توجه به منبع لایتناهی و کمال مطلق سبب معنایابی و هدف‌مندی زندگی می‌شود و انسجام رفتاری، وحدت رویه و آرامش درونی را با خود به ارمغان می‌آورد. وقتی خداوند معنای زندگی قرار بگیرد تقوا نیز که در حقیقت احساس حضور ایشان در تمام عرصه زندگی می‌باشد، در فرد به وجود می‌آید (ر.ک؛ همان: ۳۲؛ سالاری فر، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

به دلیل اثرات مثبتی که التزام به این مسأله در روابط زناشویی می‌گذارد این امر به عنوان یک اصل اخلاقی در تنگناهای زندگی مشترک بسیار حایز اهمیت می‌باشد. در دومین آیه سوره طلاق خداوند متعال می‌فرماید (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا)؛ و هر کس از خدا بپرهیزد، خداوند برای او راه نجاتی قرار می‌دهد» اطلاق این آیه بر این نکته تأکید می‌کند که حفظ تقوا یکی از راه‌های خروج از تمام بن بست‌هایی خواهد بود که آدمی در طول حیات خویش بدان مبتلا می‌گردد. از جمله مهمترین این تنگناها،

ناهنجاری‌هایی می‌باشد که ناشی از اختلافات زناشویی است. توجه به حق و در حضور حریم الهی بودن، موجبات حسن ظن به خداوند (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ص ۷۴۹) در تدبیر و ابتلاآت انسان را فراهم کرده و خروج از سختی و غم (ر.ک؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۲۶۷؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۰: ۵۶۲؛ ابن عاشور، بی‌تا: ج ۲۸: ۲۷۹؛ سمرقندی، بی‌تا: ج ۳: ۴۶۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ج ۱۳: ۵۴؛ سبزواری نجفی، ۱۳۱۹: ۵۶۳) آسان گردانیده و همچنین رسیدن به خواسته‌ها (ر.ک؛ ابن عاشور، بی‌تا: ج ۲۸: ۲۷۹) را با توجه به حکمت الهی و خیر خواهی حضرت حق، میسر می‌کند که در نتیجه همه این امور امکان بازگشت به زندگی مشترک (همان) مد نظر خداوند را فراهم می‌کند. این آیات وعده امید بخشی است از سوی خداوند به همه پرهیزکاران و توکل کنندگان که با توجه به رعایت مصالح و مفاسد امور الهی، سرانجام لطف الهی آنها را شامل می‌باشد، و از پیچ و خم مشکلات عبور می‌دهد، و به افق تابناک سعادت رهنمون می‌کند و سختی‌های معیشت را برطرف می‌سازد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴: ۲۳۶).

این مسأله با توجه به فراز ابتدایی آیه سه بهتر مشخص می‌شود که می‌فرماید (وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ)؛ و او را از جائی که گمان ندارد روزی می‌دهد. خدای سبحان که ولی و عهده‌دار سرپرستی بنده متوکل خویش است، او را از پرتگاه هلاکت بیرون می‌کشد، و از طریقی که خود او پیش‌بینی آن را نمی‌کند، روزی می‌دهد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹: ۳۱۴) و چه دلگرمی بالاتر از این می‌تواند برای همسران باشد که خالق حکیم خود عهده‌دار روزی مادی و معنوی آنها باشد و مشکلات ایشان را از جایی که گمان نمی‌کنند حل می‌کند.

بنابراین همسران با در نظر گرفتن حضور حضرت حق و خارج نشدن از موازینی که ایشان برای یک زندگی الهی در نظر گرفته‌اند که می‌توان آن را حفظ تقوا و خویشنداری در حریم خانواده نام‌گذاری کرد، حافظ زندگی مشترک خویش بوده و بر این اساس یقین به وعده حق داشته باشند که خداوند خود راه‌گشا می‌باشد پس شایسته

است زوجین در هنگام اختلافات زناشویی خدا را فراموش نکنند و با عمل به دستورات قرآنی، این مشکلات را به نحو شایسته حل نمایند و به زندگی مشترک خود دوام بخشند.

۱-۱-۴. اعتماد به کفایت الهی

از روزنه‌های امید در تلاطم‌های زندگی مشترک اعتماد به منبع قدرت لایزال الهی است که این مهم به عنوان یکی از راهکارهای اخلاقی در آیات الاحکام طلاق به چشم می‌خورد. خداوند در آیه سه سوره طلاق می‌فرماید (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ...) خداوند ضمانت کرده که هر کس توکل کند و از نفس و هواهای آن، و فرمان‌هایی که می‌دهد، خود را کنار بکشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد، در نمی‌ماند و سرانجام لطف الهی ایشان را می‌گیرد، آن وقت آنچه را که او آرزو کند، خدای تعالی هم همان را برایش می‌خواهد، البته آنچه را که او به مقتضای فطرتش مایه خوشی زندگی و سعادت خود تشخیص می‌دهد، نه آنچه را که واهمه کاذبش سعادت و خوشی می‌داند و او را به افق تابناک سعادت رهنمون می‌گرداند و ابرهای تیره و تار مشکلات را از آسمان زندگی او کنار می‌زند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۳۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۶۰). در ادامه هم تأکید می‌کند کسی که بر خدا توکل کند، خدا همه کاره او می‌شود، چون خدا به کار خود می‌رسد و تمامی امور در حیطه قدرت خدای تعالی است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۱۵). بنابراین همسران باید در ناآرامی‌های زندگی با گذشتن از برخی خواسته‌های خود، به حمایت الهی اعتماد کنند تا تنش‌ها جای خود را به آرامش دهند و زندگی معنای حقیقی خود را بازیابد.

در واقع توکل حقیقی است که انسان‌ها از نظر تربیتی، روحی و روانی به آن نیاز دارند و مطابق نیاز بشر است چون ایشان همیشه در راه آرمان‌های مقدس باید از منافع شخصی خودش بگذرند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۹۱: ۴۳) و در حیطه زندگی زناشویی نیز باید زن و مرد علایق شخصی خود را که کاملاً خود محورانه بوده رها کنند و رفاه و آسایش

را در رابطه زوجی دنبال کنند، (ر.ک؛ نظری، ۱۳۸۶: ۵۹) در چنین موقعیتی اگر بدانند حامی و مدافعی دارند بسیار راحت تر می توانند این کار را انجام بدهند. پر واضح است واقعیتی که با نیاز ذاتی انسان هماهنگ باشد پذیرش و اجرای آن سهل تر است. کسی که به یک منبع قدرت اتکال می کند، قدرت او را به قدرت خود پیوند می زند از این رو بر توان خود می افزاید و احساس اقتدار می کند. از سوی دیگر با اعتماد به یک منبع قدرت، انسان تحت حمایت و حفاظت صاحب قدرت قرار می گیرد و همین امر موجب تقویت روحی و روانی انسان می گردد. توکل بر چنین منبع قدرتی ناراحتی ها و نگرانی ها را از بین می برد. عامل برخی فشارهای روانی احساس ضعف و ناتوانی در برابر مشکلات است و توکل بر خدا ریشه این احساس ناتوانی را از بین می برد (ر.ک؛ پسندیده، ۱۳۸۴: ۳۱۸). بنابراین ایمان به بسندگی خداوند در گشودن گره ها و معضلات می تواند به عنوان قوی ترین اهرم کاهش تنش های روانی و رساندن زندگی مشترک به آرامش عمل نماید.

۲. اصول اخلاقی خانوادگی

دومین قسم از اصول اخلاقی مشترک همسران، اصول اخلاقی خانوادگی است، یعنی این اصول جنبه عملی دارند و قرآن از همسران می خواهد که به این اصول پای بند باشند و آنها را در زندگی خود اجرا نمایند.

۲-۱. استفاده از فرصت بازگشت

یکی از راه کارهای اخلاق خانوادگی آیات الاحکام طلاق تلاش برای برقراری ارتباط بین زوجین با زندگی کنار یکدیگر در ایام عده است.

از آنجا که در فقه اسلامی اختیار طلاق در دست شوهر است در واقع عده مهلتی است برای شوهر که در صورت پشیمانی از طلاق به آسانی بتواند زندگانی زناشویی را از سر گیرد. به دیگر سخن رجوع شوهر به زن یا بازگشت او به زندگی مشترک یکی از تمهیداتی است که برای جلوگیری از زیاده روی ها در نظر گرفته شده است تا اگر شوهری

موانع مربوط به فصل و جدایی را پشت سر گذاشت و طلاق را عملی ساخت برای وصل و برقراری مجدد رابطه زن و شوهری نیازی به تشریفات مفصل نداشته باشد و به آسانی بتواند این رشته پاره شده را گره زن (ر.ک؛ عراقی، ۱۳۶۹: ۹۷). در همین راستا خداوند در آیه یک سوره طلاق می‌فرماید (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِنَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ... لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا) نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید، و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند مگر اینکه آنها کار زشت آشکاری را انجام دهند تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این ماجرا وضع تازه و وسیله اصلاحی فراهم سازد» و همچنین در آیه شش همین سوره آمده (أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ...؛ آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و امکانات شما ایجاب می‌کند سکونت دهید...» خداوند در این آیات با فراهم کردن شرایط زندگی مشترک زن و مرد در زمان عده، خواهان تجدید نظر ایشان در عزم بر طلاق است، چرا که برآورده کردن احتیاجات مادی زن از قبیل نفقه و مسکن را بر عهده مرد می‌گذارد و از زن نیز می‌خواهد که در این ایام خانه را ترک نکنند و در کنار مرد خود بمانند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۳۷۴، ج ۲۴: ۲۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۶۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲: ۲۹۵؛ صادقی‌تهرانی، ج ۲۸: ۴۰۹) و به این وسیله زمینه‌ای عاطفی ایجاد می‌کند تا زن و مرد بار دیگر به هم پیوند بخورند و زندگی خانوادگی آنها گسسته نشود (ر.ک؛ سالاری فر، ۱۳۸۴: ۱۶۳) چون جدایی به عنوان آخرین راه زندگی زناشویی در نظر گرفته شده است و همسران را با چالش‌هایی مواجه می‌کند خداوند حتی بعد اجرای صیغه طلاق نیز زمینه را برای ادامه زندگی مشترک فراهم می‌کند.

شاید بتوان برای فلسفه حکم به این نکته اشاره کرد که حضور فیزیکی زن و مرد در کنار یکدیگر امکان ارتباط وسیع‌تر و گفتگوی هر چه بیشتر آنان را فراهم می‌سازد. برای اینکه زن و شوهر همدیگر را بهتر درک کنند، باید بین آنها گفت و گوی مداوم وجود داشته باشد. گفت و گو می‌تواند مسائل با اهمیت برای زوج‌ها را مشخص کرده و به آنها

کمک کند که بیشتر به آنها پردازد. تحلیل مسائل موجود در رابطه و تلاش برای درک بهتر آنها به پایداری زندگی زناشویی کمک می کند (ر.ک؛ نظری، ۱۳۸۶: ۴۶) زمانی که زوجها با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند از یکدیگر برای حمایت از خود و همچنین اظهار نظر درباره مسائل شخصی و کاری استفاده می کنند. ارتباط سالم می تواند مشکلات انسانها را التیام ببخشد (همان: ۶۸).

نکته قابل ملاحظه این است که اگر اختلافات زن و شوهر سطحی و کم عمق باشد و به حد تنفر شدید روحی نرسیده باشد قهری است که در عرض سه ماه و اندی که زن و شوهر، شب و روز در یک محل سکونت دارند و همواره با یکدیگر در تماس هستند تمام آنها از بین رفته مبدل به صلح و صفا و آشتی می گردد به خصوص که رجوع مرد در مدت عده خیلی سهل و آسان بوده با هر گونه بهره جوئی و حتی با اظهار تمایل از جانب شوهر به زن تحقق پیدا می کند و زن نیز چون از رفتن بیرون از خانه جز برای موارد ضروری منع شده است طبعاً در این مدت محدودیتی پیدا می کند و همین امر نیز زمینه بسیار مساعدی برای سازش زن با شوهرش به وجود می آورد مخصوصاً با توجه به اینکه مطابق روایات زیاد معتبری برای زن در مدت طلاق رجعی جلب محبت شوهر با انواع مختلف و به طرق گوناگون مثل زینت کردن و به سر و وضع خود رسیدن و خویش را در اختیار شوهر گذاشتن و نظائر آن نه تنها مانعی ندارد بلکه مستحب نیز می باشد زیرا این کار مسلمانان را ایجاد صمیمیت بین زن و شوهر و اعاده زندگی مشترک آن دو تأثیر بسزایی دارد (ر.ک؛ حقانی زنجانی، ۱۳۶۵: ۶۷). پس همراهی همسران خود می تواند به عنوان عاملی گره گشا برای از بین بردن مشکلات بین آنها مطرح گردد.

۲-۲. توجه به اصل مشورت

یکی از اصول زیبای اخلاقی خانوادگی که در آیات طلاق وجود دارد و زمینه ساز برقراری صلح و آشتی میان زوجین می شود اصل مشورت با همسر است. این مسأله در آیه ۶ سوره طلاق آمده است (وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ

أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَآتَمِرُوا بِمَعْرُوفٍ) هر گاه باردار باشند نفقه آنها را پردازید تا وضع حمل کنند، و اگر برای شما فرزند را شیر دهند پاداش آنها را پردازید، و (در باره فرزندان کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید. واژه ائتمار که فعل (ائتمروا) از آن مشتق است، وقتی در مورد چیزی استعمال می شود، معنای مشورت کردن درباره آن چیز را می دهد، به طوری که طرف های مشورت به یکدیگر امر کنند، و در آیه مورد بحث که ائتمار به صیغه امر آمده و فرموده ائتمار بکنید، خطابش به زن و مرد است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۳۱۷) و تعبیر به معروف تعبیر جامعی است که هر گونه مشاوره ای را که خیر و صلاح در آن باشد شامل می گردد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۴۸).

نکته قابل توجه این است که چون فرزندان در صورت جدایی پدر و مادر بسیار آسیب پذیرند، با کمک از اصل مشورت این چالش به فرصت تبدیل می شود و شرایطی که نظرخواهی از همسر در روابط زوجین ایجاد می کند زمینه را برای رفع تنش ها فراهم می گرداند هر چند ظاهر آیه دلالت بر لزوم مشورت همسران در خصوص فرزندان نشان می کند اما از لفظ به معروف عام بودن مشورت برمی آید.

همسرانی که شخصیت همسر خود را محترم می شمردند، به یکدیگر بها می دهند و ایشان را در تعیین مسائل مهم در اداره زندگی زناشویی سهیم می کنند، بر شور و نشاط زندگی می افزایند و فضای شاد و امیدبخشی را بر زندگی حاکم می کنند (ر.ک؛ الهامی نیا، ۱۳۸۶: ۷۳) و همین امر سبب می شود تا رفته رفته روابط بین همسران اصلاح گردد، زیرا شخص احساس می کند نظرات او برای همسرش از اهمیت برخوردار است و به جبران این رفتار محترمانه زوجش سعی در برخوردی زیبا و اخلاقی با او می کند که خود زمینه را برای حل معضلات زناشویی فراهم می کند.

بنابراین همسران با استفاده از این اصل می‌توانند زمینه تداوم زندگی مشترک توأم با عشق را فراهم سازند. و از آن به عنوان وسیله‌ای برای برون رفت از اختلافات زناشویی بهره گیرند.

۲-۳. برخورد فضل مدارانه

سومین راهکار اخلاق خانوادگی آیات الاحکام طلاق برخورد فضل مدارانه با همسر مبتنی بر گذشت از حقوق مسلم خود در جهت رسیدن به منفعت بیشتر که همان حفظ زندگی زناشویی و جلوگیری از فروپاشی آن است. خداوند در فرازی از آیه ۲۳۷ سوره بقره می‌فرماید (وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ...); و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید... این فراز آیه در میان بحث‌های مربوط به مهریه زن آمده است و می‌فرماید اگر مرد بخواهد از همسرش قبل آمیزش جدا شود بر او واجب است نصف مهریه زن را به او تقدیم نماید، مگر اینکه ایشان از این حق خود بگذرد، ولی بهتر است که مرد تمام صداق را به همسر خود ببخشد و در هر حال زوجین نباید اصل گذشت را نادیده بگیرند.

بنابراین آیه از یک طرف خواهان این مسأله است که مرد بیشتر از حق زن به او ببخشد و از طرفی به زن توصیه می‌کند که می‌تواند مهریه خود را به همسرش ببخشد. این گذشت از حق قطعی خود، زمینه عاطفی و محبتی برای بازگشت به زندگی مشترک را فراهم می‌آورد و هدف آیه نیز این است که افراد به آسانی از حقوق خود صرف نظر کنند، و شوهر در مورد همسرش تسهیل و تخفیف قائل شود، و همسر او نیز نسبت به شوهرش سخت‌گیری نکند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۲۴۵).

نکته اخلاقی قابل برداشت این است کسی که از حق خود می‌گذرد و آن را می‌بخشد قطعاً حق دیگری را به ستم نمی‌گیرد بنابراین گذشت به تقوی نزدیکتر است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲: ۲۰۳). پس روشن است که بنای قرآن در روابط همسران بر اخلاق و گذشت از حقوق بنا نهاده شده است. به نظر این کتاب آسمانی دلیلی برای حاکم

بودن روح نزاع و کشمکش بین همسران وجود ندارد لذا همسران حتی در مواقع اختلافاتشان نیز همواره باید با نیکی نسبت به یکدیگر رفتار نمایند و چه بسا همین مسأله عاملی برای بازگشت آنها به ادامه زندگی زناشویی بشود.

۲-۴. توجه به مراقبت‌های تربیتی فرزندان

یکی دیگر از اصول اخلاقی خانوادگی این است که همسران در مواقع اختلافات زناشویی از وظیفه فرزندپروری خود غافل نشوند و در تصمیم برای زندگی مشترک به آینده فرزندان نیز توجه لازم را مبذول دارند و چه بسا دقت و تفکر در این مسأله زوجین را از تصمیم بر طلاق منصرف و به ادامه زندگی زناشویی تشویق نماید زیرا کودکی که بایستی در سایه صمیمیت و مهر و محبت پدر و مادر به رشد طبیعی خود ادامه دهد در نتیجه طلاق، در یک بحران اسفناک روحی و جسمی قرار می‌گیرد و در حقیقت بازنده اصلی صحنه طلاق فرزند است (ر.ک؛ حقانی زنجانی، ۱۳۶۵: ۱۰۸).

از نظر اسلام واجب است بر پدر و مادر بچه را در راه راست قرار دهند و زمینه سعادت او را فراهم کنند (مظاهری، ۱۳۸۶: ۱۵). قرآن کریم در آیات طلاق به بهترین وجه از حقوق زنان و کودکان حمایت کرده است؛ یعنی با این که قرآن قانون اساسی اسلام است، اما از آن جا که برای جزئیات حقوق زنان و کودکان اهمیت قائل است آنها را در این کتاب آسمانی بیان کرده است، تا مبادا در جریان طلاق حقوق زنان و کودکان پایمال شود (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۱۰۷) در آیات قرآن توجه به موضوع مهم فرزندپروری در دو قالب احکام زن باردار و احکام زن شیرده مطرح، که در هریک مصالح کودک در نظر گرفته شده است.

بنابراین توجه به اصل فرزند پروری چنان از نگاه خالق حکیم دارای اهمیت است که حتی برای جنینی که پا به عرصه وجود نگذاشته قانونی وضع می‌کند تا مبادا زمانی که چشم به جهان گشود از حقوق طبیعی و مسلم خود بی‌بهره بماند. در آیه ۲۲۸ سوره بقره

به این نکته اشاره و می‌فرماید (و الْمَطْلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ...؛ زن مطلقه باید به مدت سه بار پاک شدن را انتظار بکشند برای آنها حلال نیست که آنچه را در رحم آنان آفریده شده کتمان کنند...» این آیه علاوه بر تأکید بر ضرورت صبوری و عدم شتاب‌زدگی در تصمیم بر جدایی، بر این موضوع تأکید می‌کند که زن مطلقه به خاطر احتراز از اختلاط نطفه‌ها و فساد نسل، عده نگه می‌دارند، و با هیچ مردی تمکین نمی‌کنند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۳۰) و این چیزی نیست جز توجه به سرنوشت فرزندان، زیرا با وجود بارداری بودن زن وضعیت زندگی زناشویی به گونه‌ای دیگر رقم خواهد خورد و حداقل آن این است که زن تا پایان دوران بارداری حق ازدواج مجدد ندارد و چه بسا که در این دوره و با متولد شدن فرزندش که لطفی از الطاف الهی در حق او و همسرش بوده نسبت به چالش طلاق صرف نظر کنند و به تداوم زندگی مشترک همت گمارند.

مسأله توجه به فرزندان در آیه شش سوره طلاق^۲ نیز به گونه‌ای دیگر بیان شده است و می‌فرماید (...وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمْ بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ..؛ و اگر باردار باشند نفقه آنها را پردازید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آنها را پردازید در باره سرنوشت فرزندان کار را «با مشاوره شایسته انجام دهید...» طبق این آیه پدر قبل از تولد باید هزینه‌ی او و مادرش پرداخت شود، تا سالم به دنیا آید و پس از تولد، مادر باید او را شیر دهد و اگر مشکلی پیش آمد، زن دیگری استخدام شود تا شیرش دهد و کودک قربانی طلاق و درگیری پدر و مادر نشود (همان)؛ در واقع این نکات هشدار می‌دهد به والدین در مورد مسئولیت فرزندپروری‌شان که بر این مطلب واقف باشند تا تنش‌های میان آنان آسیبی به مسائل جسمی و تربیتی فرزندان و وظیفه‌ای که ایشان در این حیطة دارند، وارد نسازد، زیرا طلاق جدای از آسیب‌های روحی روانی که برای زن و مرد به دنبال دارد، برای وضعیت فرزند پیامدهای به شدت مخرب را در پی دارد.

بر اساس مطالعات انجام شده، فرزندان در سال اول جدایی والدین دچار احساس خشم، ترس، افسردگی و احساس شدید گناه می‌شوند و در دراز مدت واکنش‌هایی از قبیل کم شدن نمره در آزمون‌های پیشرفت و هوش و فقدان الگوی مناسب برای ایفای زن یا مرد بودن از خود بروز می‌دهند و در نهایت به مشکلات عاطفی و جنسیتی و دشواری‌هایی در زندگی زناشویی آینده گرفتار می‌شوند (ر.ک؛ سالاری فر، ۱۳۸۴: ۱۶۴). بنابراین تبعات از هم گسستگی زندگی خانوادگی هرگز از فرزند جدا نمی‌شود و حتی آینده تحصیلی، موقعیت اجتماعی و وضعیت ازدواج او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

پس تمسک به این راه کار قرآنی علاوه بر تأمین منافع کودک، زمینه گفتگو و تبادل نظر همسران را نیز در این زمینه فراهم می‌کند که شاید خود عاملی برای بازگشت به زندگی زناشویی و جلوگیری از طلاق باشد.

۳. اصول اخلاقی مختص مردان

دومین قسم از اصول اخلاقی آیات الاحکام طلاق اصولی هستند که اسلام آنها را بر عهده مرد گذاشته است و در تمام این اصول نیز حاکم بودن و تقدم اخلاق بر فقه نمایانگر است.

۳-۱. بهره مند نمودن تقوا گونه بوم انسانی و مطالعات فزنی

اولین اصل اخلاقی مختص مردان که در آیات طلاق مورد تأکید قرار گرفته و زمینه ساز برقراری روابط حسنه بین همسران می‌شود تکیه بر اصل بخشش است که تحت عنوان نفقه در آیات طلاق مطرح شده است. یکی از راه کارهای قرآنی در این زمینه این است که مرد در ایام عده نفقه و خرجی زن را بدهد تا به این وسیله راهی برای بازگشت به زندگی مشترک فراهم شود. در آیه هفت سوره طلاق این مسئله بیان شده و می‌فرماید (لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ...) آنهایی که امکانات

وسعی دارند، از امکانات خود انفاق کنند، و آنها که تنگدستند، از آنچه خدا به آنها داده انفاق نمایند»، هر چند بین مفسران در مورد این مسأله اختلاف^۳ است که آیا فقط نفقه زن شیرده بر مرد واجب است یا تمام زنان، اما بر اساس سیاق آیات می‌توان این مسأله را عام دانست. در این حکم نیز وضعیت مرد در نظر گرفته شده است و آنهایی که توانایی کافی دارند، باید مضایقه و سختگیری نکنند، و آنها که تمکن مالی ندارند، بیش از توانایی خود مأمور نیستند، و زنان نمی‌توانند ایرادی به آنها داشته باشند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴: ۲۴۹).

در ورای این حکم نیز فلسفه زیبایی نهفته است که ثمره آن بازگرداندن زوجین به کانون گرم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن است. چون بر اساس تعالیم اسلام مخارج اقتصادی خانواده، یعنی زن و فرزندان، بر عهده مرد است. این مخارج شامل محل سکونت، خوراک و پوشاک و سایر امور وابسته به آنها مانند تحصیلات است، باید با توجه به زندگی زن و فرزندان و شرایط زمانی و اجتماعی آنها باشد.

زن برای تأمین مخارج خود به فعالیت اقتصادی نیاز ندارد و در این راستا خود را مدیون مرد می‌داند که این امر نوعی وابستگی به همسر را در او پدید می‌آورد. این احساس وابستگی موجب می‌شود وظایف همسری و مادری را تا حد توان و با عشق و علاقه انجام دهد (ر.ک؛ سالاری فر، ۱۳۸۴: ۱۸۲) پس با نگاهی جامع و واقع‌نگر می‌توان به توازن در حکم و جوب انفاق بر زوجه و تأثیر این مسأله در برپا ماندن زندگی خانوادگی پی برد. همانطور که در صورت نپرداختن آن، اختلاف در زندگی به وجود می‌آید و مردی که به زندگی و خوراک و مسکن و درمان و بهداشت همسرش توجه ندارد، کم‌کم زمزمه جدایی و طلاق را از او می‌شنود (ر.ک؛ انارکی اردکانی، ۱۳۸۵: ۷۹) پس بر مرد بایسته است به نیازهای اقتصادی همسر خود توجه نماید و به این وسیله عواطف و احساسات او را برای ایفای هر چه بهتر نقش همسری تحریک کند.

۳-۲. خوش رفتاری

از آنجا که به کارگیری واقعیات اخلاقی پیوند زناشویی را محکم، و محبت به یکدیگر را استوارتر، و درسی عملی برای دیگران به خصوص فرزندان خانواده است (ر.ک؛ انصاریان، ۱۳۷۶: ۲۳۴)، در آیات قرآن بر خوش رفتاری با همسر به ویژه برای مردان تأکید شده است. خداوند در آیات ۲۲۹ و ۲۳۱ سوره بقره با مضمونی مشابه این مسأله را بیان می‌فرماید. در آیه ۲۳۱ سوره بقره آمده است (وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا...); هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخرین روزهای عدّه رسیدند (باز می‌توانید با آنها آشتی کنید) یا به طرز پسندیده‌ای آنها را نگاه دارید، یا به طرز پسندیده‌ای رها سازید و هرگز به خاطر ضرر زدن و تعدی کردن، آنها را نگه ندارید....» که در این آیه برخی از احکام طلاق بیان شده تا از نادیده گرفتن حقوق زنان جلوگیری شود؛ از این رو به مرد فرصت می‌دهد که تا مدت عدّه به پایان نرسیده، می‌تواند با همسرش آشتی نماید و صمیمانه زندگی کند و یا اگر زمینه مساعدی برای آشتی نمی‌بیند، از او جدا شود و رهاش سازد، تا زندگی جدید خویش را دنبال کند.

اما باید توجه داشت که هر یک از رجوع و یا جدایی، باید توأم با احسان و نیکو کاری و به دور از انتقام‌جویی و زیان رساندن به زن باشد؛ یعنی رجوع و بازگشت به زندگی باید به صورت عقلایی و بر اساس صفا و صمیمیت، و به تعبیر قرآن «بِمَعْرُوفٍ» باشد (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲: ۲۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۲۳۴) پس اسلام خواهان این است که در هر حال انسان با همسر خود با رفتار شایسته برخورد نماید، حتی در صورت جدایی زن و مرد نباید این مسأله توأم با خشونت و بد خلقی باشد. چه بسا طلاق که به این نحو انجام شود آسیب روانی کمتری را متوجه زوجین نماید.

همچنین در آیه شش سوره طلاق که بحث اسکان مشترک همسران را در زمان عدّه بیان می‌کند به مردان دستور می‌دهد که طوری با همسر خود برخورد نکنند که ماندن در

مسکن مشترک برایش دشوار گردد و مجبور به ترک منزل شود. در این آیه آمده است (أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ...؛ آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید و مجبور به ترک منزل شوند...) پس در این آیه خداوند متعال از مردان می‌خواهد که مبدا کینه‌توزی‌ها و عداوت و نفرت شما را از راه حق و عدالت منحرف سازد، و آنها را از حقوق مسلم خود در مسکن و نفقه محروم کنید، و آن چنان در فشار قرار گیرند که همه چیز را رها کرده، فرار کنند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴: ۲۴۷).

کلمه «معروف» در آیات مورد بحث تکرار شده، یعنی در دوازده مورد آمده است و این بدان جهت است که خدای تعالی اهتمام دارد به اینکه عمل طلاق و ملحقات آن بر وفق سنن فطری انجام شود، و عملی سالم باشد، بنابراین کلمه «معروف» هم متضمن هدایت عقل است، و هم حکم شرع، و هم فضیلت اخلاقی، و هم سنت‌های ادبی و انسانی، معروف است که هم طبق هدایت عقل صورت گرفته باشد، و هم با حکم شرع و یا قانون جاری در جامعه مطابق باشد، و هم با فضائل اخلاقی منافی نباشد، و هم سنت‌های ادبی آن را خلاف ادب نداند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ۲۳۲).

بنابراین از مجموعه این گونه آیات که بر قید معروف تأکید شده می‌توان به ضرورت خوش‌رفتاری با همسر و به‌ویژه مرد با زن از نگاه قرآن اشاره کرد، زیرا زن با وجود روحیه حساس و لطیف خود در صورت برخورد نسنجیده با وی متحمل آسیب‌های روحی و روانی بیشتری می‌گردد، لذا در اینگونه آیات بر سازش یا جدایی با قید معروف تأکید شده است. پس در رفتار با همسر باید ملاک عدالت را همواره مد نظر قرار داد و تمام وظایف در قبال او را با این شاخصه سنجید.

می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های زندگی زناشویی موفق، بادوام و توأم با رضایت خاطر، این است که زن و شوهر به یکدیگر احترام می‌گذارند. در این گونه

زندگی، هر یک از همسران ویژگی‌ها یا توانایی‌های قابل احترامی را در دیگری می‌یابد. هر چقدر میدان احترام‌گذاری به یکدیگر وسیع‌تر باشد، زندگی زناشویی رضایت‌مندانه‌تر خواهد بود، این همسران تأیید و ارزش‌گذاری خود برای همسرشان را نشان می‌دهند و به طور پیوسته کارهایی را انجام می‌دهند که عواطف، عشق و احترامشان را به یکدیگر نشان می‌دهند و از کلمات و اعمال مثبتی استفاده می‌کنند که رابطه‌شان را مورد حمایت و تأیید قرار می‌دهد (ر.ک؛ نظری، ۱۳۸۶: ۱۳۱) اگر زن و مرد از ابتدای وصال همواره به عواقب شیوه رفتار خود با همسر بیندیشند قطعاً رفتار توأم با احترام و خوش‌خلقی را انتخاب خواهند کرد، در این صورت ناآرامی‌های زندگی با مذاکره عقلانی به آرامش تبدیل می‌شود و زن و مرد به هدف واقعی ازدواج خواهند رسید.

۳-۳. غیرت‌مندی

از آنجا که حریم خانواده، نیازمند پاسداری است و نگهبان آن، غیرت است، یکی دیگر از راه‌کارهای اخلاقی مختص مردان بحث غیرت‌مندی آنها نسبت به همسرشان است. در آیه ۲۳۰ سوره بقره آمده است (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)؛ اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود، مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او آمیزش جنسی نماید. در این صورت)، اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند، (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید)، در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می‌شمرند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می‌نماید؛ در این آیه با مطرح کردن بحث محلل و جریحه‌دار کردن غیرت مرد زمینه را برای جلوگیری از فروپاشی خانواده فراهم کرده است. ازدواج مجدد زن سه بار طلاق داده شده با شوهر اول مشروط به ازدواج دائم با شخص دیگری است که «محلل» خوانده

می‌شود، این مسأله یکی از عواملی است که در اسلام برای جلوگیری از طلاق‌های مکرر قرار داده شده‌است.

شوهر حق دارد پس از هر یک از طلاق اول و دوم، در زمان عدّه بدون عقد یا پس از آن با عقد جدید، به همسرش بازگردد و او را با رعایت اصول خانوادگی برای خود نگه‌دارد یا با ترک رجوع، زن را با احسان رها سازد؛ ولی در طلاق سوم مرد چاره‌ای جز رها کردن زن با احسان به وی ندارد، زیرا پس از طلاق سوم زن موقتاً بر شوهرش حرام می‌شود: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ) و وقتی خود زن بر شوهر سابقش حرام شده باشد، انواع تمتعات وی نیز حرام است، بنابراین پس از طلاق سوم، رجوع شوهر در زمان عدّه بدون عقد یا پس از آن با عقد جدید، از نظر حکم تکلیفی حرام و از نظر حکم وضعی باطل است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۱: ۳۱۸). در ازدواج زن با مرد دیگر شروطی آمده که عبارتند از اینکه عقد آنها به صورت دائمی باشد. همچنین پس از عقد جدید، مباشرت زناشویی صورت گیرد. اشتراط مباشرت با شوهر جدید، عاملی بازدارنده است که زن و شوهر را از طلاق‌های بی‌جهت حفظ می‌کند. عقد محض بدون آمیزش، تهدیدی بازدارنده نیست؛ یا در مانع بودن آن تردید است، گرچه غیوران استثنایی از این کار منجزند، چنان که از سه طلاق نیز متنفرند (همان: ۳۲۲) پس این آیه به کسی که می‌خواهد دست به طلاق سوم بزند هشدار می‌دهد که ممکن است با وجود شوهر دوم زن راه بازگشت برای همیشه بسته شود. چه بسا که همسر دائم زن او را طلاق ندهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲؛ ج ۲: ۱۷۵) پس مرد دورانیش سعی می‌کند تا جای امکان از حق طلاقی که به او داده شده استفاده نکند و پیامدهای این مسأله را مد نظر بگیرد و در سایه اخلاق به مشاجرات زناشویی خاتمه دهد.

نکته قابل ملاحظه این است که اگر غیرت مقتدرانه و هوشمندانه در خانواده اعمال شود، زمینه از هم گسستگی این کانون کوچک کاهش می‌یابد ولی با این حال استفاده نادرست و بی‌جا از آن افراد پاک را به مرز خیانت و ناپاکی می‌کشاند (ر.ک؛ پسندیده،

۱۳۹۱: ۱۸۸). پس مردان باید در غیرت‌ورزی نسبت به خانواده خود حد اعتدال را نگهدارند، زیرا افراط و تفریط در این زمینه خانواده را با چالش‌ها و آسیب‌های جدی روبرو می‌کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی آیات الاحکام طلاق و اصول اخلاقی مستخرج از آنها به طور کل دو نتیجه عمده حاصل شد که اولین آنها مسأله تأثیر و تأثری بین دو حوزه اخلاق و فقه و در واقع محوریت و اصل بودن اخلاق بود و دومین نتیجه این که تمام تلاش اسلام بر جلوگیری از طلاق و حفظ کانون گرم خانواده است و در این راستا وظایفی را بر عهده همسران می‌گذارد، تا ایشان در سایه این فرامین حکیمانه پیوند خود را محکم‌تر نمایند.

البته با توجه به این مسأله که در اسلام حق طلاق به مردان داده شده، وظایف اخلاقی آنان نسبت به زنان سنگین‌تر است، گویا قرآن بیشترین مسئولیت حفظ زندگی مشترک را به عهده مردان گذاشته و به آنها هشدار می‌دهد که از این حق سوءاستفاده نکنند و تمام توان خود را معطوف به تدوام زندگی زناشویی نمایند. ولی با این حال زنان هم از این مسئولیت مبرا نیستند بلکه آنها هم نقش بزرگی در حفظ خانواده و جلوگیری از طلاق دارند.

نکته دیگری که از بررسی آیات الاحکام طلاق برداشت می‌شود این است که در قرآن طلاق به عنوان آخرین راه حل مطرح شده و تمام تلاش این کتاب نورانی جلوگیری از جدایی زن و مرد و حفظ زندگی مشترک در پناه به کارگیری اصول اخلاقی است، اگر اینها هم در به پایان دادن اختلافات زوجین مؤثر نبود آن گاه است که مرد می‌تواند از حق طلاق که اسلام به او داده استفاده نماید.

پی نوشت

- ^۱ در آیه یک همین سوره نیز به بحث تقوا اشاره شده است.
- ^۲ این مسئله همچنین در آیه ۲۳۳ سوره بقره نیز آمده است.
- ^۳ مثلاً صاحب تفسیر المیزان و تفسیر مجمع البیان و الفرقان این مورد را مخصوص زنان شیرده می‌دانند اما صاحب تفسیر نمونه آن را عام می‌داند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد طاهر. (بی تا). *تفسیر التحریر و التنویر*. بیروت - لبنان: مؤسسه التاریخ العربی.
- استفان آر (۱۳۸۷). *هفت عادت خانواده موفق*. ترجمه ندا شاد نظر، تهران: امید فرزندگان، همداد.
- انارکی اردکانی، حسین. (۱۳۸۵). *طلاق از دیدگاه اخلاق و قانون*. قم: پیام مقدس.
- انصاریان، حسین. (۱۳۷۶). *نظام خانواده در اسلام*. قم: ام ابیها.
- پسندیده، عباس. (۱۳۸۴). *رضایت از زندگی*. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- _____ (۱۳۹۱). *رضایت زناشوئی*. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تسنیم*. تحقیق علی اسلامی قم: مؤسسه اسراء.
- حقانی زنجانی، حسین. (۱۳۶۵). *طلاق یا فاجعه انحلال خانواده*. بی تا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات*. محقق صفوان عدنان الداودی، دمشق بیروت: دار القلم، الدار الشامیه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۱). *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*. قم: کتاب مبین.

- _____ . (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۴). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سزواروی نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۳۱۹). *إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. (بی تا). *بحر العلوم*. بی جا.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام عراقی، عزت الله. (۱۳۶۹). *آیا می‌دانید طلاق و مسائل آن کدامند؟* تهران: انتشارات راهنما.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- کیهان نیا، اصغر. (۱۳۸۲). *راز موفقیت در زندگی یا هنر بهتر زیستن*. تهران: نشر مادر.

کاشفی سبزواری، حسین بن علی. (۱۳۶۹). *مواهب علییه*. تحقیق سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
 محمدی، مسلم. (۱۳۹۵). «تمایز و وابستگی راهکاری منطقی در گفتگوی فقه و اخلاق». *پژوهش‌های فقهی*. ۱۲. ۲، صص ۳۸۸-۳۶۷.
 _____ (۱۳۹۵). *مقدمه علم اخلاق، ماهیت، ابعاد و ساختار*. تهران: سازمان جهاد

دانشگاهی

مطری، مرتضی. (۱۳۸۷). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
 _____ (۱۳۹۱). *گفتارهایی در اخلاق اسلامی*. تهران: صدرا.
 مظاہری، حسین. (۱۳۸۶). *تربیت فرزند از نظر اسلام*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
 مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). *التفسیر المبین*. قم: بنیاد بعثت.
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 نظری، علی محمد. (۱۳۸۶). *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*. تهران: علم.
 الهامی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۶). *اخلاق فرماندهی و مدیریت*. قم: زمزم هدایت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی